

The Investigation of Economic and Social Causes of Social Harms in Acute Critical Areas of Mazandaran Province¹

Ezzatollah Nosrati Payani², Ali-Asghar Abbasi Asafjir³, Ali Rahmani Firoozjah⁴

Received: 2020/09/27 Accepted: 2021/01/05

Abstract

Background and objectives: Considering the wide dimensions of social harms and its increasing spread in society, the present study aims to investigate the economic and social causes of social harms in acute crisis areas of Mazandaran province.

Methodology: The research method in the present study is a survey and the data collection tool is a questionnaire. The statistical population of the study consists of 20,000 people (nineteen infected areas). Using Cochran's formula and available purposive sampling method, the sample size was 189 individuals. With a quantitative approach, an effort was made to group injuries based on the classification of the subject as well as determining the causes of the injuries. Also, the concepts were identified and experimentally tested by quantitative method and exploratory factor analysis.

Findings: Findings show that acute crisis areas in the cities of Mazandaran province are classified into three categories: personality and individual-cultural and socio-economic and the indicators in each category based on the measurement model and factor load have the necessary accuracy and stability.

Results: A comparison of the research findings and the results of the experimental literature show that one of the reasons for the increase in social and economic harms is the lack of correct inference from the current situation, which has added to the problems of combating them, in such a way that in some statistics, the prevalence of social harms is reported to be very high and in others, the prevalence is less. In the current situation, in order to get rid of these injuries, the root of these problems must be identified using experienced experts and the need to change the approach from disciplinary, security, psychological, individual and purely social working to social approaches appropriate to each region is strongly felt.

Keywords: Social harms, Acute critical areas, Economic Causes, Social causes, Mazandaran.

1 This article is adapted from the PhD dissertation of Islamic Azad University, Babol Branch.

2 PhD Candidate in Sociology of Economics and Development, Islamic Azad University, Babol Branch.

3 Associate Professor, Department of Sociology, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran. (Corresponding Author). Email: asfajir@hotmail.com

4 Associate Professor, Department of Sociology, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran.

Copyright © 2020 Journal of Research Police Science. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-noncommercial 4.0 International License which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages provided the original work is properly cited.

فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی، سال بیست و دوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۹

صص ۲۵۰-۲۲۷

بررسی علل اقتصادی و اجتماعی آسیب‌های اجتماعی در مناطق حاد بحرانی استان مازندران^۱

عزت‌الله نصرتی پایانی^۲، علی‌اصغر عباسی اسفجیر^۳، علی رحمانی فیروزجاه^۴

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۷/۰۶ تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۰/۱۵

چکیده

هدف: نظر به وسع بودن ابعاد آسیب‌های اجتماعی و گسترش روزافزون آن در جامعه، پژوهش حاضر با هدف بررسی علل اقتصادی و اجتماعی آسیب‌های اجتماعی در مناطق حاد بحرانی استان مازندران پرداخته است.

روش: روش تحقیق در پژوهش حاضر از نوع پیمایشی و ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه است. جامعه آماری تحقیق به تعداد ۲۰۰۰ نفر (نوزده منطقه آلوده) را تشکیل می‌دهند که با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه‌ای به تعداد ۱۸۹ نفر و از روش نمونه‌گیری هدفمند در دسترس استفاده شد و با رویکرد کمی تلاش در جهت گروه‌بندی آسیب‌ها بر مبنای دسته‌بندی موضوع و همچنین تعیین علل آسیب‌ها می‌باشد. همچنین به کمک روش کمی با تحلیل عاملی اکتشافی مفاهیم شناسایی و مورد آزمون تجربی قرار گرفتند.

یافته‌ها: یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند مناطق حاد بحرانی در شهرهای استان مازندران در سه مقوله: شخصیتی و فردی - فرهنگی و اجتماعی - اقتصادی طبقه‌بندی می‌شوند و شاخص‌های قرار گرفته در هر مقوله بر اساس مدل اندازه‌گیری و بار عاملی از دقت و ثبات لازم برخوردار است.

نتیجه‌گیری: مقایسه صورت گرفته از یافته‌های تحقیق و نتایج ادبیات تجربی نشانگر آن است که یکی از علل افزایش آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی عدم استنباط درست از وضع موجود است که بر مشکلات مبارزه با آن‌ها افزوده است به گونه‌ای که در برخی از آمارها شیوع بسیار بالای آسیب‌های اجتماعی و در برخی دیگر شیوع کمتری گزارش می‌شود و در شرایط کنونی به منظور برون‌رفت از این آسیب‌ها می‌بایست ریشه بروز این مشکلات را با استفاده از متخصصین مجرب مورد شناسایی قرار گیرد و ضرورت تغییر رویکرد از اقدامات انتظامی، امنیتی، روان‌شناختی، فردی و صرفاً مددکارانه به سمت رویکردهای اجتماعی متناسب با هر منطقه به شدت احساس می‌شود.

کلیدواژه‌ها: آسیب‌های اجتماعی، مناطق حاد بحرانی، علل اقتصادی علل اجتماعی، مازندران

۱ - این مقاله برگرفته از رساله دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل است.

۲ - دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصاد و توسعه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل.

۳ - دانشیار گروه جامعه‌شناسی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران (نویسنده مسئول)،

رایانامه: asfajir@hotmail.com

۴ - دانشیار گروه جامعه‌شناسی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران

مقدمه

در طی چند دهه اخیر تمام شهرها به دنبال تحولات صنعتی، اقتصادی، اجتماعی و مهاجرت از روستاها به شهرها رشد و گسترش مناطق حاشیه‌نشین، انواع آسیب‌های اجتماعی را به دنبال داشته است. امروزه آسیب‌های اجتماعی از مهم‌ترین عوامل تهدیدکننده امنیت در شهرها محسوب می‌شوند. افزایش روزافزون تعداد مجرمین مهم‌ترین دغدغه مدیران شهری است و به آن غفلت نورزیده و همواره آن را مورد توجه و بررسی قرار داده‌اند.

با گریزی بر پیشینه شکل‌گیری مناطق حاد بحرانی در شهرها می‌توان گفت، شکل‌گیری این مناطق رابطه مستقیمی با مهاجرت اقشار کم‌درآمد روستاها و شهرهای کوچک دارد. این مهاجرین با هدف دستیابی به اشتغال بهتر شهرها را مقصد مهاجرت خود قرار داده، اما به علت عدم تخصص و مهارت کافی، دافعه‌های مبدأ (مثل بی‌چیزی، نداشتن زمین)، هزینه بالای زندگی شهری، قطعه‌بندی‌های بزرگ زمین که موجب افزایش قیمت زمین شده و امکان خرید زمین توسط افراد کم‌درآمد سلب می‌شود و به ناچار به مناطق حاشیه‌نشینی پناه می‌برند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۶: ۸۴).

آسیب‌های اجتماعی که از آن در متن‌های مختلف تعریف‌های مختلفی به عمل آمده یکی از مهم‌ترین معضلات جامعه امروزی و بخشی جدایی‌ناپذیر از زندگی امروزی را تشکیل می‌دهند و هر طبقه اجتماعی با مسائل و آسیب‌های خاصی دست و پنجه نرم می‌کند. نظر به وسع بودن ابعاد آسیب‌های اجتماعی و گسترش روزافزون آن و با توجه به اینکه آسیب‌های اجتماعی مستقیماً در عملکرد فرد و جامعه اثر می‌گذارد و صرف‌نظر از ضررها و زیان‌های اقتصادی، بهداشت جسمی و روانی، فرد و جامعه را به مخاطره می‌افکند به عبارتی در این مناطق همواره یکی از دغدغه‌های دست‌اندرکاران مسائل اجتماعی کشور تعیین حدود و ثغور آسیب‌های اجتماعی و استقرار امنیت و احساس آن بوده است. احساس امنیت حالتی است که در آن ارضای احتیاجات و خواسته‌های فردی و اجتماعی افراد انجام و شخص در آن احساس ارزش، اطمینان

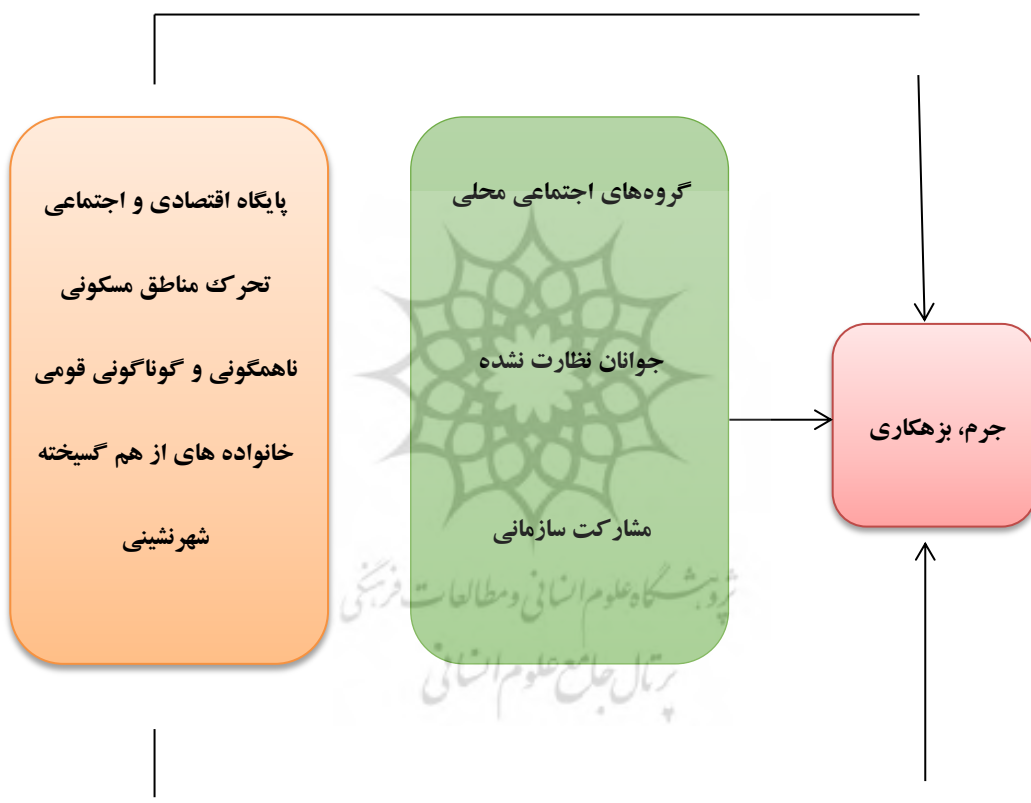
خاطر و اعتماد به نفس نماید (شعاری نژاد، ۱۳۶۴: ۲۸). احساس امنیت در یک جامعه به احساس روانی شهروندان از میزان وجود جرم و شرایط جرم خیز در جامعه باز می‌گردد و هر مقدار فراوانی جرم و شرایط جرم خیز بالاتر باشد احساس امنیت شهروندان پایین‌تر است (بیات، ۱۳۸۷: ۱۷).

در این صورت برای پیشگیری، درمان و در مواردی مقابله با مسائل و مشکلات اجتماعی، نیازمند ارائه سیاست‌گذاری‌های مدون و راهکارهای سازنده می‌باشیم. لذا در این تحقیق به علل اجتماعی و اقتصادی آسیب‌های اجتماعی در مناطق حاد بحرانی استان مازندران به وقوع می‌پیوندد پرداخته شده است. به عبارتی تحقیق انجام گرفته درصدد پاسخگویی به این سؤال بوده است که تعریف آسیب‌های اجتماعی از نظر ساکنان این مناطق چیست و آسیب‌های اجتماعی در این مناطق کدامند. بنابراین به طور دقیق‌تر، پژوهش به دنبال شناسایی این مسئله بود که آسیب‌های اجتماعی در مناطق حاد بحرانی استان مازندران چگونه است؟

مبانی نظری پژوهش

نظریه بی‌سازمانی اجتماعی، سامپسون و گراوز^۱ (۱۹۸۲) یک مدل علی از بی‌سازمانی را ارائه داده‌اند که در آن، ساختار محله (پایگاه اقتصادی، همگونی قومی، تحرک سکونت، ازهم گسیختگی خانواده و شهرنشینی) در سازمان اجتماعی (شبکه‌های دوستی، نظارت بر گروه‌های جوان و مشارکت در سازمان‌های محلی) تأثیر دارد، از نظر آن‌ها همان‌طور که در شکل (۱) مشاهده می‌گردد سازمان‌های اجتماعی سطح جرم و بزهکاری را تعیین می‌کنند. از نظر سامپسون فقر، ازهم گسیختگی خانواده و بی‌ثباتی مکانی از جمله ویژگی‌های ساختاری هستند که مانع روابط میان همسایه‌ها می‌شوند و درگیری آن‌ها را در سازمان‌های محلی کاهش می‌دهند، به خاطر سرمایه اجتماعی پایین، این محلات قادر به اعمال کنترل‌های جمعی مؤثر در نواحی عمومی

مانند خیابان‌ها و پارک‌ها نیستند سامپسون و همکاران مفهوم کارآمدی جمعی را در تکمیل نظریه بی‌سازمانی اجتماعی ارائه کرده‌اند (ویتو^۱ و دیگران، ۲۰۰۷: ۱۴۹). در نهایت می‌توان گفت که بی‌سازمانی اجتماعی به معنای شرایطی است که بر توانایی یک محله در شناخت ارزش‌های ساکنان و یا حل مسائل عمومی آن‌ها اثر می‌کند (گراتد^۲، ۲۰۰۹)



شکل ۱- مدل سامپسون و گراوز از بی‌سازمانی اجتماعی (برفیند و بارتوش^۳، ۲۰۰۶: ۴۸۱)

1 - vito

2 - grand

3 - Burfeind & Bartusch

نظریه کنترل اجتماعی^۱: نظریه کنترل اجتماعی (نظارت اجتماعی) از نظریه نظم اجتماعی (بی‌هنجاری) دورکیم تأثیر پذیرفته و به عوامل خاص اجتماعی که برای حفظ نظم در جامعه اهمیت دارند توجه کرده است. این نظریه بر فرآیند اجتماعی کردن، بیشتر از مجازات کردن در برقراری نظم جامعه تأکید دارد و برای تبیین برخی جرایم مانند جرایم سازمان یافته، جرایم یقه سفیدها و جرایم حرفه‌ای کمتر کاربرد دارد و بیشتر در مورد جرایم جوانان و عرضه پیشنهادهاى عملی برای پیشگیری از جرم فایده دارد (سخاوت، ۱۳۸۱: ۶۰). این نظریه که پیوند اجتماعی نیز نامیده می‌شود این طور فرض می‌کند که اگر انسان‌ها به حال خود رها شوند، به طور طبیعی مرتکب جرم و کجروی خواهند شد؛ یعنی سابقه رفتار کجروانه به طور طبیعی و ذاتی در میان مردم وجود دارد؛ زیرا همه انسان‌ها نیازهای برآورده نشده و آرزوهای متعدد و نامحدودی دارند و رفتارهای انحرافی در بسیاری از موارد آن‌ها را راحت‌تر و زودتر به مقصودشان می‌رساند و کامروایی را نصیبشان می‌کند. به عبارت دیگر، قیود اجتماعی است که نا هم‌نوایی را در میان انسان‌ها محدود می‌کند و در حقیقت کجروی و بزهکاری محصول نارسایی کنترل‌های اجتماعی می‌باشد (طالبان، ۱۳۸۳: ۵). از پیشگامان این نظریه می‌توان به تراویس هیرشی^۲ اشاره کرد. از نظر هیرشی، کنترل اجتماعی به شیوه‌هایی گفته می‌شود که جامعه برای واداشتن اعضایش به هم‌نوایی و جلوگیری از ناسازگاری به کار می‌برد (ستوده، ۱۳۸۶: ۱۳۴). او اعتقاد داشت با وجود اینکه تمام افراد، بالقوه مستعد انجام جرم و هنجارشکنی هستند، اما به خاطر ترس از اینکه عمل مجرمانه به روابط آن‌ها با خانواده، دوستان، همسایه‌ها، معلمان و کارفرمایان آسیب برساند، خود را کنترل می‌کنند. در واقع هیرشی، کجروی را معلول گسستگی یا ضعف تعلق فرد با جامعه می‌داند. منظور هیرشی این است که فرد نسبت به افرادی که با آنان پیوندهای نزدیکی دارد، دارای احساساتی است که این احساسات موجب می‌شود نسبت به آنچه

1 - Social Control Theory

2 - Travis Hirschi

درباره رفتارش می‌اندیشند مراقب باشد؛ بنابراین، کنترل بزهکاری با تعلقات جوانان نسبت به والدینشان پیوند می‌خورد. به طور کلی می‌توان گفت این نظریه بر این پیش فرض استوار شده است که برای کاستن از تمایل به رفتار بزهکارانه و مجرمانه، باید همه افراد کنترل شوند.

پیشینه پژوهش

در بررسی‌های به عمل آمده مشخص شد که تحقیقات زیادی در زمینه شیوع و عوامل بروز آسیب‌های اجتماعی در ایران انجام شده است و هر کسی به نوعی سعی در مطرح کردن این مشکلات و راه‌های حل آن نموده است.

احتشامی، بیات، سام دلیری و شعبانی (۱۳۹۷) پژوهشی با عنوان «الگوی پیش‌بینی بحران ناشی از نقاط بحرانی در کلان‌شهرها با در نظر گرفتن چهار بعد فرهنگی، اجتماعی - کالبدی - اقتصادی - کنترل و نظارت» انجام داده‌اند که نتایج نشان داده است که هر کدام از این ابعاد به میزان و طریقی می‌تواند بستر ایجاد نقاط بحرانی باشد. شاخص‌هایی که با استانداردهای سنجش روایی محتوا و شاخص تناسب تطابق داشتند و وارد مدل شدند و در تحلیل عملی سه سطحی نیز مورد تأیید قرار گرفتند.

دهقانی و اکبرزاده (۱۳۹۶) پژوهشی با عنوان «حاشیه‌نشینی همچون آپاندیسیت شهری» انجام داده‌اند که نتایج پژوهش نشان داده است که جستجو برای کار و برخوردار نبودن از مسکن و رفاه اقتصادی از دلایل شکل‌گیری و افزایش بی‌رویه حاشیه‌نشینی و آسیب‌های اجتماعی در شهر اصفهان بوده‌اند. این پژوهش به دنبال ارائه راهکارهای کاربردی به مدیران و سیاست‌گذاران شهری کمک کند تا در برنامه‌ریزی و توزیع عادلانه امکانات شهری موفق‌تر عمل کنند.

حسین زاده (۱۳۹۶) پژوهشی با عنوان «تبیین نقش فضاهای شهری در پیشگیری از وقوع جرائم خشن در شهر اصفهان» انجام داده است که نتایج نشان داده است که توزیع فضایی جرائم خشن بین مناطق مختلف ۱۵ گانه شهر اصفهان متفاوت است و در مناطق حاشیه‌نشین و بافت‌های فرسوده شاهد افزایش وقوع جرائم خشن هستیم. او میان میزان

تراکم جمعیت و جرائم خشن نیز رابطه مستقیمی می‌بیند و مدیریت و برنامه‌ریزی شهری، طراحی محیطی، فضاها‌ی شهری و عوامل اقتصادی و اجتماعی به ترتیب بیشترین تأثیر را بر وقوع جرائم خشن دارند.

رامین (۱۳۹۵) پژوهشی با عنوان «عملکرد شهرداری تهران را در مدیریت آسیب‌های اجتماعی» انجام داده است که نتایج نشان داده است که نمایندگی عملکردی و توجه به منظره شهری از راهبردهای اصلی شهرداری در مدیریت آسیب‌های اجتماعی است و جمع‌آوری معتادان، متکدیان، کودکان کار، زنان ویژه (آسیب‌دیده) و... بدون حل ریشه‌های اعتیاد و تکدی‌گری مهم‌ترین راهبرد شهرداری است. در این راهبرد تمرکز اصلی بر معلول است و علت‌ها به حاشیه رانده شده‌اند.

ابراهیمی فلاح (۱۳۹۴) پژوهشی با عنوان «شناخت ابعاد و زمینه‌های مؤثر در فضای بی‌دفاع شهری؛ مورد مطالعه: محله فرحزاد تهران» انجام داده است که نتایج نشان داده است که امنیت پایین به همراه جرائم بالا در کنار آسیب‌های اجتماعی بالا است و در نظر او فضای بی‌دفاع شهری یا فضای دفاع ناپذیر شهری نسبت به محله جرم خیز مفهوم جدیدتری است.

اکبری (۱۳۹۳) پژوهشی با عنوان «بررسی نقش نظارت‌های غیررسمی بر امنیت مناطق بی‌دفاع شهری» انجام داده‌اند که نتایج نشان داده است که بین نظارت غیر رسمی و امنیت اجتماعی در مناطق بی‌دفاع شهری رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. همچنین بین نظارت رسمی، وجدان جمعی، پیوند فرد با جامعه، تعلق فرد به گروه‌های اجتماعی و امنیت اجتماعی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد.

امیری، پورموسوی و صادقی (۱۳۹۲) پژوهشی با عنوان «آسیب‌های اجتماعی ناشی از حاشیه‌نشینی را در منطقه ۱۹ تهران» انجام داده‌اند که نتایج نشان داده است که نتایج کلی و یافته‌های این پژوهش بیانگر آن است که مدیران منطقه ۱۹، خاستگاه آسیب‌های اجتماعی را مسائل خانوادگی و اقتصادی می‌دانند و بیکاری، اعتیاد و تکدی‌گری را

مهم‌ترین آسیب‌ها معرفی کرده‌اند. فقر و طلاق با رتبه دو و پنج، مهم‌ترین دلایل بروز آسیب‌های اجتماعی‌اند. روش انجام این پژوهش، توصیفی - تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات آن، اسنادی - پیمایشی و مبتنی بر پرسش‌نامه است.

توسلی و نورمرادی (۱۳۹۱) پژوهشی با «عنوان بررسی جامعه‌شناختی علل گستره آسیب‌های اجتماعی در بین حاشیه‌نشین‌های شهر تهران مورد مطالعه منطقه چهار (خاک سفید)» انجام داده‌اند که نتایج نشان داده است که انحرافات جنسی، دزدی و نداشتن امنیت از مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی خاک سفید است که ساکنان این منطقه با آن مواجه‌اند. مهم‌ترین پیشنهاد و خواسته پاسخگویان استقرار هر چه بیشتر نیروهای امنیتی و پلیس در خاک سفید و اقدامات عاجل مصلحین و مسئولین جامعه جهت کاهش و کنترل این آسیب از طریق برنامه‌ریزی‌های درمان‌مدار و مداخلات مؤثر اجتماعی است و نداشتن آرامش در منطقه ۱۹ (جرم خیز) بالاست و در مناطق ۱ و ۳ پایین است.

صدیق سروسنانی (۱۳۸۵) پژوهشی با عنوان «بررسی آسیب‌شناسی اجتماعی نقاط آلوده تهران» انجام داده است که نتایج نشان داده است که شناخت مجاورت یا گسست اجتماعی و شناخت نگرش شهروندان منطقه نسبت به محل سکونت و آزمون انطباق‌پذیری و کاربرد نظریه‌های علمی مرتبط با مسائل اجتماعی ایران مهم است و همچنین گونه‌های جمعیتی ساکنان در این مناطق و دستگیرشدگان مرتبط می‌باشند.

هادی زاده (۱۳۸۲) پژوهشی با عنوان «بررسی آسیب‌های اجتماعی ناشی از حاشیه‌نشینی» انجام داده است که نتایج نشان داده است که توجه به آسیب‌های اجتماعی را از مهم‌ترین مسائل شهری است که مدیران شهری باید آن را مورد توجه قرار دهند؛ زیرا تجمع و تراکم آسیب‌های اجتماعی در هر شهر و جامعه‌ای می‌تواند انسجام و همبستگی آن را مورد تهدید قرار دهد.

راین‌واتر^۱ (۲۰۱۶) پژوهشی با عنوان «مسائل فرهنگی_ اجتماعی عمده شهری را با توجه به دیدگاه‌های مدیران شهری» انجام داده است که نتایج نشان داده است ۷۰ درصد از پاسخگویان معتقدند امنیت شهری و جرائم شهری از مهم‌ترین مسائل شهرهای امروزند و حفظ امنیت و کاهش جرائم شهری مهم‌ترین اولویت برنامه‌های مدیران شهری در مدیریت شهر است.

والیس^۲ (۲۰۱۱) پژوهشی با عنوان «مسائل اجتماعی شهری» انجام داده است که نتایج نشان داده است که اهمیت یافتن مراکز حاشیه‌نشین شهر و در حاشیه قرار گرفتن مراکز شهرها (غلبه حاشیه بر متن) به واسطه افزایش مهاجرت به حاشیه‌های شهرها است. همچنین این پژوهش به نقش رفتار افراد، تضعیف روابط خانوادگی، همسایگی و شبکه‌های محلی در گسترش آسیب‌های اجتماعی توجه شده است. او ماهیت آسیب‌های اجتماعی را در دو نقطه حاشیه و مرکز شهر بررسی کرده و راهکارهایی در حوزه سیاست‌گذاری و مدیریت این آسیب‌ها ارائه داده است.

ویلسون^۳ (۲۰۱۰) پژوهشی با عنوان «مدل کلی شهری: گذشته‌نگری و آینده‌نگری» انجام داده است که نتایج نشان داده است که محله‌های آسیب‌خیز و جرم‌خیز متمرکز شده از نظر بوم‌شناختی دچار انزوای اجتماعی شده‌اند و به صورت برش‌های معیوب جمعیتی درآمده‌اند. در نتیجه چنین اتفاقاتی، میزان رشد جرائم به شکل عنان گسیخته‌ای در این مناطق افزایش یافته است.

کاساردا^۴ (۲۰۰۱) پژوهشی با عنوان «نشانه‌های متفاوتی از نابسامانی اجتماعی و پریشانی ساکنان» انجام داده است که نتایج نشان داده است که عمومی‌ترین شاخص نابسامانی اجتماعی، اندازه‌گیری درصد رسمی فقر در محدوده داده شده یک شهر است. کاساردا همچنین تأکید دارد که علاوه بر فقر، نابسامانی اجتماعی با

1 - Rainwater

2 - Wallis

3- Wilson

4- cassarda

آسیب‌شناسی شرایط اجتماعی نیز ارتباط دارد؛ یعنی درست مانند خصوصیات نابسامانی اجتماعی که توسط ویلسون در نظر گرفته شده بود. نواحی نابسامان، مناطقی هستند که آمارهای رسمی به طور هم‌زمان نشان دهنده سطوح عنان گسیخته و فقر بالا، بیکاری، خانوارهای زن سرپرست و دریافت کنندگان رفاه هستند. نواحی شدیداً نابسامان علاوه بر همه خصوصیات فوق، میزان بالای نوجوانان ترک تحصیل کرده را نیز دارا هستند.

سامپسون و گراوز^۱ (۱۹۸۹) پژوهشی با عنوان «بی‌سازمانی اجتماعی در بریتانیا» انجام داده‌اند که نتایج نشان داده است پایگاه اجتماعی - اقتصادی پایین، مهاجرت، تنوع نژادی و شهری شدن در اجتماعات محلی که پیوندهای اجتماعی قوی تری دارند و کنترل غیررسمی در آن‌ها بیشتر است، میزان آسیب‌ها و جرائم کمتر است.

روش پژوهش

روش تحقیق در پژوهش حاضر از نوع پیمایشی و ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه است. جامعه آماری تحقیق به تعداد ۲۰۰۰۰ نفر (نوزده منطقه آلوده) را تشکیل می‌دهند که با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه‌ای به تعداد ۱۸۹ نفر و از روش نمونه‌گیری هدفمند در دسترس استفاده شد و با رویکرد کمی تلاش در جهت گروه‌بندی آسیب‌ها بر مبنای دسته‌بندی موضوع و همچنین تعیین علل آسیب‌ها می‌باشد. همچنین به کمک روش کمی با تحلیل عاملی اکتشافی مفاهیم شناسایی و مورد آزمون تجربی قرار گرفتند.

واحد تحلیل در تحقیق حاضر فرد پاسخ‌گو می‌باشد. بدین ترتیب سطح تحلیل نیز خرد است. همچنین آزمون مقایسه‌ای t جهت مقایسه نمرات موجود با نمرات معیار نشان داده است که تمام مقادیر نمرات مربوط به متغیرها بر اساس نمره معیار ۳ بزرگ‌تر از ۳ هستند و این اختلاف در همه موارد با اطمینان ۹۵ درصد نشان از معنادار بودن می‌باشد.

قلمرو موضوعی تحقیق بررسی مناطق حاد بحرانی از لحاظ آسیب‌های اجتماعی در استان مازندران می‌باشد و قلمرو مکانی آن شهرستان‌های بهشهر، نکا، ساری، قائم‌شهر، بابل و آمل می‌باشد. شهرستان بهشهر (قنبرآباد و گلشهر)، شهرستان نکا (عباس‌آباد)، شهرستان ساری (ترک محله، پلیس‌راه، غفاری و نویناد)، شهرستان قائم‌شهر (گونی‌بافی، پشت کنسرو، شهدا محله، ترک محله، سمنادشت و مفت آباد)، شهرستان بابل (موزیرج، سادات محله، گنی غربی و هفت تن) و شهرستان آمل (دباغچال و رضوان) مکان‌های درگیر آسیب‌های اجتماعی می‌باشند.

نوع جمع‌آوری اطلاعات به صورت میدانی و اسنادی می‌باشد و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد. مشخصاً برای شناسایی متغیرها از روش تحلیل عاملی اکتشافی برای مبانی نظری و مصاحبه با متخصصین جمع‌آوری شده است و در بخش آمار توصیفی از فراوانی، درصد فراوانی، نمودار، جدول، میانگین و انحراف استاندارد و در بخش آمار استنباطی جهت بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده شد همچنین لازم به ذکر می‌باشد که تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS 19 و amos انجام گرفت.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی

نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها در بخش توصیفی نشان داد با توجه به جمعیت شهرستان‌های مربوطه (۱۹ منطقه حاد) که مکان‌های درگیر آسیب‌های اجتماعی می‌باشند، پرسشنامه توزیع و جمع‌آوری گردیده است از یافته‌های تحقیق می‌توان نتیجه گرفت که تناسب حجم نمونه در این تحقیق مناسب بوده است و از هر منطقه حاد ۱۰ نفر از روش مشاهده و مصاحبه اطلاعات جمع‌آوری گردید. جنس پاسخگویان یک سوم را زنان تشکیل می‌دهند و از نظر میزان سواد اکثریت دارای سواد و آگاهی نسبت به سؤالات داشته‌اند، همچنین از نظر تأهل، بیش از دو سوم متأهل و مابقی مجرد

می‌باشند، از نظر نوع شغل نتیجه می‌گیریم که تمام گروه‌های شغلی در پرسشنامه حضور دارند.

یافته‌های استنباطی

در این پژوهش استفاده از روش پیمایشی با رویکرد کمی تلاش در جهت گروه‌بندی آسیب‌ها بر مبنای دسته‌بندی موضوع و همچنین تعیین علل آسیب‌ها تلاش در جهت گروه‌بندی آسیب‌ها بر مبنای دسته‌بندی موضوع و همچنین تعیین علل آسیب‌ها می‌باشد. همچنین به کمک روش کمی با تحلیل عاملی اکتشافی مفاهیم شناسایی و مورد آزمون تجربی قرار گرفتند به طوری که آزمون مقایسه‌ای t جهت مقایسه نمرات موجود با نمرات معیار نشان داده است که تمام مقادیر نمرات مربوط به متغیرها بر اساس نمره معیار ۳ بزرگ‌تر از ۳ هستند و این اختلاف در همه موارد با اطمینان ۹۵ درصد نشان از معنادار بودن می‌باشد.

سؤال اول پژوهش: آسیب‌های اجتماعی در مناطق حاد و بحرانی استان مازندران چگونه می‌باشد؟

بررسی‌های نتایج تحلیل عاملی اکتشافی حاکی از این است که آسیب‌های اجتماعی نشان داده است مناطق حاد بحرانی استان مازندران متأثر از سه مقوله است:

۱- شخصیتی و فردی

جدول ۱- آسیب‌های شخصیتی و فردی

متغیر (نام آسیب)	بار عاملی
قتل	۰/۹۰
تجاوز به عنف	۰/۸۵
آدم‌ربایی	۰/۸۵
فرار از خانه	۰/۷۲
خودکشی	۰/۷۱
خشونت و پرخاشگری	۰/۴۶
چاقوکشی	۰/۳۴

۲- فرهنگی و اجتماعی

جدول ۲- آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی

متغیر (نام آسیب)	بار عاملی
فساد و فحشاء	۰/۷۹
دروغ‌گویی	۰/۷۸
استفاده از القاب توهین و فحش	۰/۷۶
بی‌بندوباری	۰/۷۵
فروپاشی خانواده	۰/۷۵
دورویی و کلک	۰/۷۲
طلاق	۰/۶۹
نیرنگ و تزویر	۰/۶۹
کمرنگ شدن اعتقادات دینی	۰/۶۷
بی‌اعتمادی به دیگران	۰/۶۶
سستی در انجام واجبات دینی (نماز روزه و...)	۰/۶۶
استفاده از علائم نمادهای غربی	۰/۶۲
اعتیاد به مواد مخدر	۰/۶۱
گسترش مدگرایی در جامعه	۰/۵۵
بی‌احترامی به ارزش‌های دینی	۰/۴۹
خیانت به همسر	۰/۱۲

۳- عوامل اقتصادی

جدول ۳- آسیب‌های اقتصادی

متغیر (نام آسیب)	بار عاملی
کلاهبرداری	۰/۷۴
زورگیری	۰/۷۰
رانت‌خواری	۰/۶۲
تخریب ساختمان‌ها	۰/۶۱
سرقت	۰/۵۹
فروش مواد مخدر	۰/۵۶
باج‌خواهی	۰/۴۷
تکدی‌گری	۰/۲۹

جهت پاسخ‌گویی به این سؤال پژوهش، مبانی نظری و تحقیقات انجام شده در ایران و جهان مورد مطالعه قرار گرفت و سپس با نظر اساتید و صاحب نظران موارد فوق استخراج شد و پرسشنامه‌ای در مناطق بحرانی استان مازندران اجرا و داده‌های جمع‌آوری جداول شماره‌های (۱، ۲ و ۳) مورد تجزیه و تحلیل از تحلیل رگرسیونی قرار گرفت. نتایج تحلیل عاملی نشان داد که همه مؤلفه‌های اشاره شده در جداول فوق بر اساس بار عاملی آن‌ها تأثیرگذار است.

سؤال دوم پژوهش: طبقه‌بندی انواع آسیب‌های اجتماعی در مناطق حاد بحرانی استان مازندران چگونه است؟

بررسی‌ها نشان داده است مناطق حاد بحرانی استان مازندران از نظر آسیب‌ها در سه طبقه به ترتیب شدت آن جای گرفته است.

در طبقه اول آسیب‌ها در جدول شماره (۱) شامل:

۱-قتل ۲- تجاوز به عنف ۳- آدم‌ربایی ۴- فرار از خانه ۵- خودکشی ۶-خشونت و پرخاشگری ۷-چاقوکشی می‌باشد که به ترتیب میزان اهمیت در طبقه اول آسیب‌های ناشی از عوامل شخصیتی و فردی قرار گرفتند و به این دلیل کنار هم هستند که بیشترین میزان را به خود اختصاص داده‌اند.

نتایج بررسی وضعیت شاخص شخصیتی و فردی در نقاط حاد بحرانی استان مازندران نشان می‌دهد. تأثیر این شاخص‌ها در گسترش آسیب‌های اجتماعی به ترتیب قتل ۰/۹۰، تجاوز به عنف ۰/۸۵، آدم‌ربایی ۰/۸۵، فرار از خانه ۰/۷۲، خودکشی ۰/۷۱، خشونت و پرخاشگری ۰/۴۶ و چاقوکشی ۰/۳۴ می‌باشد بدین ترتیب بر اساس آمار موجود باید گفت عوامل شخصیتی و فردی نقش تأثیرگذاری بر آسیب‌های اجتماعی دارد که با برطرف کردن یا به حداقل رسانیدن آن می‌توان آسیب‌ها را کاهش داد.

در طبقه دوم آسیب‌ها در جدول شماره (۲) شامل:

۱- فساد و فحشاء ۲- دروغ‌گویی ۳- استفاده از القاب توهین و فحش ۴- بی‌بندوباری ۵- فروپاشی خانواده ۶- دورویی و کلک ۷- طلاق ۸- نیرنگ و تزویر ۹- کمرنگ

شدن اعتقادات دینی ۱۰- بی‌اعتمادی به دیگران ۱۱- سستی در انجام واجبات دینی (نماز، روزه و...) ۱۲- استفاده از علائم و نمادهای غربی ۱۳- اعتیاد به مواد مخدر ۱۴- گسترش مدگرایی در جامعه ۱۵- بی‌احترامی به ارزش‌های دینی ۱۶- خیانت به همسر می‌باشد که به ترتیب میزان اهمیت در طبقه دوم آسیب‌های ناشی از عوامل فرهنگی و اجتماعی قرار گرفتند و به این دلیل کنار هم هستند که بیشترین میزان را به خود اختصاص داده‌اند.

نتایج بررسی وضعیت شاخص فرهنگی و اجتماعی در نقاط حاد بحرانی استان مازندران نشان می‌دهد تأثیر این شاخص‌ها در گسترش آسیب‌های اجتماعی به ترتیب: فساد و فحشاء ۰/۷۹، دروغ‌گویی ۰/۷۸، استفاده از القاب توهین و فحش ۰/۷۶، بی‌بندوباری ۰/۷۵، فروپاشی خانواده ۰/۷۵، دورویی و کلک ۰/۷۲، طلاق ۰/۶۹، نیرنگ و تزویر ۰/۶۹، کمرنگ شدن اعتقادات دینی ۰/۶۷، بی‌اعتمادی به دیگران ۰/۶۶، سستی در انجام واجبات دینی (نماز، روزه و...) ۰/۶۶، استفاده از علائم و نمادهای غربی ۰/۶۲، اعتیاد به مواد مخدر ۰/۶۱، گسترش مدگرایی در جامعه ۰/۵۵، بی‌احترامی به ارزش‌های دینی ۰/۴۹ و خیانت به همسر ۰/۱۲ می‌باشد بدین ترتیب بر اساس آمار موجود باید گفت عوامل فرهنگی و اجتماعی نقش تأثیرگذاری بر آسیب‌های اجتماعی دارد که با برطرف کردن یا به حداقل رسانیدن آن می‌توان آسیب‌ها را کاهش داد.

در طبقه سوم آسیب‌ها در جدول شماره (۳) شامل:

۱- کلاهبرداری ۲- زورگیری ۳- رانت‌خواری ۴- تخریب ساختمان‌ها ۵- سرقت ۶- فروش مواد مخدر ۷- باج‌خواهی ۸- تکدی‌گری می‌باشد که به ترتیب میزان اهمیت در طبقه سوم آسیب‌های ناشی از عوامل اقتصادی قرار گرفتند و به این دلیل کنار هم هستند که بیشترین میزان را به خود اختصاص داده‌اند. نتایج بررسی وضعیت شاخص اقتصادی در نقاط حاد بحرانی استان مازندران نشان می‌دهد تأثیر این شاخص‌ها در گسترش آسیب‌های اجتماعی به ترتیب: کلاهبرداری ۰/۷۴، زورگیری ۰/۷۰، رانت‌خواری ۰/۶۲، تخریب ساختمان‌ها ۰/۶۱، سرقت ۰/۵۹، فروش مواد مخدر ۰/۵۶،

با ج خواهی ۰/۴۷ و تکدی گری ۰/۲۹ می باشد بدین ترتیب بر اساس آمار موجود باید گفت عوامل اقتصادی هم نقش تأثیر گذاری بر آسیب‌های اجتماعی دارد که با برطرف کردن یا به حداقل رسانیدن آن می توان آسیب‌ها را کاهش داد.

سؤال سوم پژوهش: میزان شیوع و شدت آسیب‌های اجتماعی در مناطق حاد بحرانی استان مازندران چگونه می باشد.

بررسی ها نشان داده است از نظر میزان شیوع و شدت آسیب‌ها در مناطق نوزده گانه پر خطر شهرهای استان مازندران به ترتیب هر شهر به شرح جدول شماره (۴) می باشد.

جدول ۴- میانگین آسیب‌های اجتماعی ناشی از نقاط حاد بحرانی

آسیب‌های اجتماعی ناشی از مناطق حاد بحرانی	به شهر	نکا	ساری	قائم شهر	بابل	آمل	میانگین
اعتیاد	۴/۳۰۰۰	۳/۸۰۰۰	۴/۵۷۵۰	۴/۰۵۰۰	۳/۶۷۵۰	۳/۷۸۹۵	۴/۰۳
فروش مواد مخدر	۳/۸۵۰۰	۴/۲۰۰۰	۴/۳۲۵۰	۳/۶۳۳۳	۳/۱۷۵۰	۴/۱۵۷۹	۳/۸۹
طلاق	۴/۱۵۰۰	۳/۸۰۰۰	۴/۱۷۵۰	۴/۰۳۳۳	۳/۴۷۵۰	۳/۶۸۴۲	۳/۸۸
دروغ گویی	۳/۸۵۰۰	۳/۶۰۰۰	۳/۹۵۰۰	۴/۱۱۶۷	۳/۴۵۰۰	۳/۹۴۷۴	۳/۸۲
استفاده القاب	۳/۹۰۰۰	۴/۰۰۰۰	۳/۷۰۰۰	۳/۹۵۰۰	۳/۱۰۰۰	۴/۲۱۰۵	۳/۸۱
تکدی گری	۳/۶۵۰۰	۴/۴۰۰۰	۳/۷۰۰۰	۳/۹۵۰۰	۲/۶۲۵۰	۴/۱۵۷۹	۳/۷۴
بی اعتمادی	۴/۴۰۰۰	۲/۹۰۰۰	۳/۸۲۵۰	۴/۰۵۰۰	۳/۴۵۰۰	۳/۷۸۹۵	۳/۶۹
سرقت	۳/۶۰۰۰	۲/۷۰۰۰	۴/۳۲۵۰	۳/۹۸۳۳	۳/۶۷۵۰	۳/۷۸۹۵	۳/۶۸
خیانت به همسر	۳/۸۵۰۰	۳/۴۰۰۰	۳/۶۲۵۰	۴/۰۶۶۷	۳/۴۰۰۰	۳/۷۳۶۸	۳/۶۸
گسترش مدگرایی	۴/۴۵۰۰	۳/۲۰۰۰	۳/۷۷۵۰	۴/۰۰۰۰	۳/۵۰۰۰	۳/۰۵۲۶	۳/۶۶
فروپاشی خانواده	۴/۰۵۰۰	۳/۲۰۰۰	۳/۶۵۰۰	۳/۶۳۳۳	۳/۱۲۵۰	۴/۱۵۷۹	۳/۶۳
بی بندوباری	۳/۶۰۰۰	۳/۴۰۰۰	۳/۸۷۵۰	۳/۹۱۶۷	۳/۴۰۰۰	۳/۴۲۱۱	۳/۶۰
دورویی	۳/۹۵۰۰	۳/۴۰۰۰	۳/۹۵۰۰	۳/۹۱۶۷	۳/۲۰۰۰	۳/۱۵۷۹	۳/۵۹
خشونت	۳/۶۰۰۰	۳/۴۰۰۰	۴/۰۲۵۰	۲/۷۸۳۳	۳/۱۷۵۰	۴/۰۰۰۰	۳/۴۹
فساد	۳/۶۰۰۰	۲/۲۰۰۰	۳/۹۰۰۰	۳/۹۶۶۷	۳/۲۲۵۰	۳/۹۴۷۴	۳/۴۷
سستی در دین	۳/۳۵۰۰	۲/۷۰۰۰	۳/۵۰۰۰	۳/۷۸۳۳	۲/۸۷۵۰	۴/۰۵۲۶	۳/۳۷
کمرنگ شدن عقاید	۳/۵۵۰۰	۲/۷۰۰۰	۳/۳۰۰۰	۳/۶۶۶۷	۲/۹۷۵۰	۳/۷۳۶۸	۳/۳۲

۳/۲۸	۳/۳۱۵۸	۲/۹۲۵۰	۳/۸۰۰۰	۳/۸۰۰۰	۲/۷۰۰۰	۳/۱۵۰۰	نیرنگ
۳/۲۳	۳/۷۳۶۸	۲/۷۵۰۰	۳/۶۰۰۰	۳/۲۰۰۰	۲/۸۰۰۰	۳/۳۵۰۰	استفاده از علائم غربی
۲/۹۹	۳/۲۶۳۲	۲/۷۲۵۰	۳/۲۲۳۳	۳/۳۲۵۰	۲/۱۰۰۰	۳/۳۵۰۰	کلاهبرداری
۲/۹۵	۳/۸۴۲۱	۲/۴۵۰۰	۲/۴۳۳۳	۳/۴۰۰۰	۲/۰۰۰۰	۲/۶۰۰۰	چاقو کشی
۲/۹۱	۳/۸۹۴۷	۲/۹۰۰۰	۲/۷۱۶۷	۳/۰۷۵۰	۱/۳۰۰۰	۳/۶۰۰۰	بی احترامی به دین
۲/۵۸	۲/۹۴۷۴	۱/۸۲۵۰	۱/۵۵۰۰	۲/۷۲۵۰	۳/۱۰۰۰	۳/۳۵۰۰	تخریب ساختمان
۲/۵۴	۲/۵۷۸۶	۲/۴۷۵۰	۲/۳۱۶۷	۳/۲۷۵۰	۱/۳۰۰۰	۳/۳۵۰۰	رانت خواری
۲/۵۴	۳/۲۱۰۵	۲/۳۵۰۰	۱/۷۶۶۷	۳/۳۰۰۰	۱/۴۰۰۰	۳/۲۵۰۰	زور گویی
۲/۵۳	۳/۳۱۵۸	۲/۷۵۰۰	۱/۵۶۶۷	۳/۰۰۰۰	۱/۴۰۰۰	۳/۲۰۰۰	باج خواهی
۲/۴۳	۴/۳۶۸۴	۲/۱۷۵۰	۱/۳۳۳۳	۳/۰۵۰۰	۱/۶۰۰۰	۲/۱۰۰	فراز منزل
۱/۹۰	۳/۰۵۲۶	۱/۸۷۵۰	۱/۱۰۰۰	۲/۲۷۵۰	۱/۱۰۰۰	۲/۱۵۰۰	تجاوز
۱/۸۷	۲/۶۸۴۲	۱/۸۲۵۰	۱/۱۸۳۳	۲/۱۷۵۰	۱/۳۰۰۰	۲/۰۵۰۰	خودکشی
۱/۶۳	۲/۴۲۱۱	۱/۶۵۰۰	۱/۰۰۰۰	۱/۸۰۰۰	۱/۰۰۰۰	۱/۹۵۰۰	قتل
۱/۶۱	۲/۶۳۱۶	۱/۵۰۰۰	۱/۰۰۰۰	۱/۹۲۵۰	۱/۰۰۰۰	۱/۶۰۰۰	آدم‌ربایی
			۱۸۹				جمع نمونه

بر اساس جدول شماره (۴) مهم‌ترین آسیب‌ها در ۱۹ منطقه حاد استان به ترتیب در شهرستان بهشهر (در دو محله قنبرآباد و گلشهر) به ترتیب گسترش مدگرایی ۴/۴۵، اعتیاد ۴/۳۰، طلاق ۴/۱۵، بی‌اعتمادی ۴/۱۰، فروپاشی خانواده ۴/۰۵ و در شهرستان نکاء (عباس‌آباد) به ترتیب گسترش تکدی‌گری ۴/۴، فروش مواد مخدر ۴/۲، استفاده از القاب ۴، طلاق ۳/۸، اعتیاد ۳/۸ و در شهرستان ساری (در چهار محله پلیس‌راه، غفاری، نوبنیاد و ترک محله) به ترتیب اعتیاد ۴/۵۷، فروش مواد مخدر ۴/۳۲، سرقت ۴/۳۲، طلاق ۴/۱۷، خشونت ۴/۰۲ و در شهرستان قائم‌شهر (در شش محله گونی بافی، پشت کنسرو، شهدا محله، ترک محله، سمنادشت و مفت آباد) به ترتیب دروغ‌گویی ۴/۱۱، خیانت به همسر ۴/۰۶، بی‌اعتمادی ۴/۰۵، اعتیاد ۴/۰۵، طلاق ۴/۰۳، گسترش مدگرایی ۴، سرقت ۳/۹۸، فساد ۳/۹۶ و در شهرستان بابل (در چهار محله موزیرج، هفت تن، سادات محله و گتی غربی) به ترتیب اعتیاد ۳/۸۵، سرقت ۳/۶۷، گسترش

مدگرایی ۳/۵، طلاق ۳/۴۷، دروغ‌گویی ۳/۴۵، بی‌اعتمادی ۳/۴۵، بی‌بندوباری ۳/۴، خیانت به همسر ۳/۴، فساد ۳/۲۵ و در شهرستان آمل (در دو محله ذغالچال و رضوان) به ترتیب فرار از منزل ۴/۳۶، استفاده از القاب ۴/۲۱، فروپاشی خانواده ۴/۱۵، فروش مواد مخدر ۴/۱۵، سستی در دین ۴/۰۵، می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

در این قسمت سعی خواهد شد نتایج حاصل از تحقیق با نتایج سایر تحقیقات انجام شده مقایسه شود و سپس با استفاده از نظریه‌های علمی نتایج به دست آمده تحلیل کرد. با توجه به نتایج پژوهش‌های پیشین و پژوهش حاضر در مجموع به این موضوع می‌توان اشاره کرد که مهم‌ترین یافته حاصل از این مطالعه به نتایجی که از تبیین فرضیه‌های پژوهش به دست آمده است، برمی‌گردد. لذا با توجه به مطالعات به عمل آمده و بر اساس مبانی نظری و پژوهش‌های ذکر شده در نتیجه‌گیری اول که آسیب‌های اجتماعی در مناطق حاد و بحرانی استان مازندران چگونه می‌باشد نتایج تحلیل عاملی نشان داد که همه مؤلفه‌های اشاره شده در جداول ۱ و ۲ و ۳ بر اساس بار عاملی آن‌ها تأثیرگذار است. لذا بر اساس اطلاعات موجود از نمونه آماری ۱۸۹ نفری، آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی بر نقاط حاد بحرانی استان مازندران تأثیر دارد و مورد تأیید می‌باشد. این نتیجه به نوعی با نتایج پژوهش‌های توسلی و نورمرادی (۱۳۹۱)، امیری و همکاران (۱۳۹۲)، رامین (۱۳۹۵) و کاساردا (۲۰۰۱) همسو می‌باشد.

در ادامه، نتیجه سؤال دوم که طبقه‌بندی انواع آسیب‌های اجتماعی در مناطق حاد بحرانی استان مازندران چگونه است. نتایج نشان داده است بر اساس اطلاعات موجود (جدول شماره ۱ و ۲ و ۳) از نمونه آماری ۱۸۹ نفری، طبقه‌بندی انواع آسیب‌های اجتماعی در مناطق حاد بحرانی استان مازندران مورد تأیید می‌باشد. نتایج تحلیل عاملی نشان داد که همه مؤلفه‌های اشاره شده در جداول ۱ و ۲ و ۳ بر اساس بار عاملی آن‌ها تأثیرگذار است به ترتیب در همان جداول طبقه‌بندی می‌شوند و این نتیجه به نوعی با نتایج پژوهش‌های حسین زاده (۱۳۹۶)، افروغ (۱۳۷۷) و ابراهیمی فلاح (۱۳۹۴) همسو

می‌باشد.

در خصوص نتایج حاصل از میزان شیوع و شدت آسیب‌های اجتماعی در مناطق حاد بحرانی استان مازندران می‌توان به این موضوع اشاره کرد که میانگین آسیب‌های اقتصادی و اجتماعی در مناطق حاد بحرانی استان مازندران به ترتیب آسیب اعتیاد ۴/۰۳، فروش مواد مخدر ۳/۸۹، طلاق ۳/۸۸، بیشترین و آدم‌ربایی ۱/۶۱، قتل ۱/۶۳ و خودکشی ۱/۸۷ کمترین می‌باشند. جهت پاسخ‌گویی به این سؤال از تحلیل رگرسیونی استفاده شده است. بر اساس اطلاعات موجود از نمونه آماری ۱۸۹ نفری، میزان شیوع و شدت آسیب‌ها در مناطق نوزده‌گانه پرخطر شهرهای استان مازندران مورد تأیید می‌باشد. این نتیجه به نوعی با نتایج پژوهش‌های رحمانی فیروز جاه علی (۱۳۸۹)، هادی زاده (۱۳۸۲)، سامپسون و گراوز (۱۹۸۹) و ویلسون (۲۰۱۰) همسو می‌باشد.

پیشنهادها

- تقویت دستگاه‌های نظارتی، فرهنگ‌سازی در میان مردم، توجه به نیازهای اولیه و معیشتی مردم مناطق حاد بحرانی، کار فرهنگی، افزایش سرمایه اجتماعی از طریق افزایش فعالیت‌های مشارکتی، ارتقای سطح آگاهی و دانش شهرنشینی در میان مردم از طریق اجرای برنامه‌های آموزشی مرتبط با جمعیت منطقه، افزایش خدمات آموزشی رایگان به مردم منطقه و همکاری در برنامه‌های فرهنگی.
- انجام اقدامات عملی جهت ایجاد فرصت‌های شغلی در بین افراد مناطق آلوده باید جدی تلقی شود جهت تحقق این امر لازم است سازمان‌های مرتبط به این کار از جمله فنی و حرفه‌ای، آموزش و پرورش و... تقویت شود و افراد را برای ایفای نقش و فرصت‌های شغلی آماده سازد.
- پایبندی به اعتقادات و مناسک مذهبی و توجه به ظرفیت دین در کنترل آسیب‌های اجتماعی به عنوان یک تجربه آزموده شده در تمامی کشورها و همچنین بهره‌گیری از توان علمی دانشگاه‌ها و بازسازی و افزایش سرمایه اجتماعی در گام نخست.

- توجه به برنامه‌های کنترلی و نظارتی به عنوان عوامل بازدارنده آسیب‌ها در کنار برنامه‌های ارشادی و اقناعی. از آنجایی که امر جامعه‌پذیری در وهله‌ی اول امری ارشادی و فرهنگی است در وهله‌ی دوم امری کنترلی است. لذا شایسته است به این عوامل به‌طور هماهنگ توجه شود، لذا نیروی انتظامی در ابتدا باید با استفاده از روش‌های اقناعی و امر به معروف و نهی از منکر با کج‌روی اجتماعی مقابله نمایند و در صورت شدت و تکرار جرم از طریق اعمال اجبار اجتماعی و قانون با متخلفین برخورد نمایند.

- برنامه‌های حمایتی از خانواده‌های آسیب‌پذیر و بی‌بضاعت و فقیر (تسهیلات و خدمات اعتباری) جهت توانمندسازی اولویت برنامه‌ها باشد. برنامه‌ریزی دقیق که نیاز به عزم ملی دارد، نسبت به اشتغال در جامعه و ریشه‌کنی فقر و بیکاری اقدام لازم و بایسته صورت گیرد.

- افزایش کنترل اجتماعی در سطح خانواده و جامعه: کنترل اجتماعی همانند نظارت والدین، همسایگان و نظارت پلیس در کاهش نابهنجاری‌ها در نقاط بحرانی مؤثر هستند.

به نظر می‌رسد، در شرایط کنونی به‌منظور برون‌رفت از این بحران‌ها می‌بایست ریشه بروز این مشکلات با استفاده از متخصصین مجرب، مورد شناسایی قرار گیرد و ضرورت تغییر رویکرد از اقدامات انتظامی، امنیتی، روان‌شناختی، فردی و صرفاً مددکارانه به سمت رویکردهای اجتماعی متناسب با جامعه ایران به شدت در کشور احساس می‌شود.

تقدیر و سپاسگزاری

بدین‌وسیله از زحمات اساتید محترم راهنما و مشاور و همچنین دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان مازندران که در طول مدت اجرای این رساله اینجانب را مورد حمایت و راهنمایی قرار دادند، تقدیر و تشکر می‌نمایم.

منابع

۱. آرون، ریمون. (۱۳۶۴). مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی. ترجمه باقر پرهام، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
۲. ابراهیمی، محمد محسن. (۱۳۹۱). رویکرد چند نهادی به پیشگیری از جرایم مواد مخدر و روان‌گردان با تأکید بر عملکرد ستاد مبارزه با مواد مخدر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
۳. ابراهیمی، فلاح. (۱۳۹۴). شناخت ابعاد و زمینه‌های مؤثر در فضای بی‌دفاع شهری.
۴. امیری، مجتبی؛ پور موسوی، سید موسی؛ صادقی، منصوره. (۱۳۹۲). آسیب‌های اجتماعی ناشی از حاشیه‌نشینی، فصلنامه علمی- پژوهشی اقتصاد و مدیریت شهری، ۲(۵): ۱۳۷-۱۱۹. بازیابی از:
http://iueam.ir/browse.php?a_id=62&sid=1&slc_lang=fa
۵. بیات، بهرام. (۱۳۸۸). بررسی عوامل مؤثر بر احساس امنیت شهروندان تهرانی با تأکید بر رسانه‌های جمعی عملکرد پلیس و بروز جرایم. فصلنامه انتظام اجتماعی، ۱(۱): ۵۵-۳۱. بازیابی از:
<http://ensani.ir/fa/article/28952>
۶. بیات، بهرام. (۱۳۸۸). جامعه‌شناسی احساس امنیت. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۷. پوراحمد، احمد؛ فرهودی، رحمت‌الله؛ حبیبی، کیومرث؛ کشاورز، مهناز. (۱۳۸۹). بررسی نقش کیفیت محیط سکونتی در مهاجرت‌های درون‌شهری. پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۴(۷۵): ۳۶-۱۷. بازیابی از:
<http://ensani.ir/fa/article/260923>.
۸. حسین زاده، علی. (۱۳۹۶). تبیین نقش فضاهاى شهری در پیشگیری از وقوع جرائم خشن در شهر اصفهان.
۹. حسینی نثار، محمد و دیگران. (۱۳۹۱). بررسی احساس امنیت و عوامل مؤثر با آن در کشور. مشهد: چهارمین کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت شهری. ۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۱. بازیابی از:
<https://civilica.com/doc/164813>
۱۰. حیدر زاده، الهام. (۱۳۹۲). جرم‌شناسی پیشگیری. تهران: میزان، چاپ نخست، جلد ۱.
۱۱. دهقانی، اکبر. (۱۳۹۶). حاشیه‌نشینی همچون آپاندیسیت شهری تحلیل ثانویه.

۱۲. رامین، محمد. (۱۳۹۵). بررسی عملکرد شهرداری تهران در حوزه مدیریت آسیب‌های اجتماعی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته مدیریت خدمات اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
۱۳. رفیعیان، مجتبی؛ هودسنی. (۱۳۹۱). نقش حاکمیت محلی در فرایند برنامه‌ریزی مشارکتی چارچوب برنامه‌ریزی توسعه پایدار اجتماعات محلی.
۱۴. ستوده، هدایت‌اله، (۱۳۷۹). آسیب‌شناسی اجتماعی. تهران: نشر آوای نور.
۱۵. سخاوت، جعفر، (۱۳۷۴). جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی. تهران: دانشگاه پیام نور، چاپ چهارم.
۱۶. سخاوت، جعفر. (۱۳۸۳). علل ساختاری اعتیاد در ایران، مجموعه مقالات انجمن جامعه‌شناسی ایران. تهران: انتشارات آگاه.
۱۷. شعاری نژاد، علی‌اکبر. (۱۳۶۴). فرهنگ علوم رفتاری. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۸. هادی زاده، مریم. (۱۳۸۲). حاشیه‌نشینی و راهکارهای ساماندهی آن. مشهد: شهرداری مشهد.
19. Blaszczynski, A., & Lia, N. (2002). A Pathways Model of Problem and Pathological Gambling. *Addiction*, 97(5):487-499. At Retrieved: https://www.researchgate.net/publication/11338228_A_Pathways_Model_of_Problem_and_Pathological_Gambling
20. Burfeind, James. & Dawn, Bartusch. (2006) *Juvenile Delinquency: An Integrated Approach*. Janes and Bartlett Publishers.
21. Cloward, Richard. & Ohlin, Lloyd. (1960) *Delinquency and Opportunity*, New York The free press.
22. Grattet, R. (2009). The Urban Ecology of Bias Crime: A Study of Disorganized and Defended Neighborhoods. *Social Problems*, 56(1):132-150. At Retrieved: <https://doi.org/10.1525/sp.2009.56.1.132>
23. Howard, J., Joni, V., & Matthew, N. (1999). Gambling, Drinking ,Smoking and Other Health Risk Activities Among Casino Employees. *American journal of industrial* 36(3): 365-

378. At Retrieved: [https://doi.org/10.1002/\(SICI\)1097-0274\(199909\)36:3<365::AID-AJIM4>3.0.CO;2-I](https://doi.org/10.1002/(SICI)1097-0274(199909)36:3<365::AID-AJIM4>3.0.CO;2-I)
24. Mark, G., & Ian, S.(1998). Short Communication Adolescent Gambling and Drug Use Journal of Community & Applied Social Psychology. 8: 423-427. At Retrieved: [https://onlinelibrary.wiley.com/doi/abs/10.1002/\(SICI\)1099-1298\(199811/12\)8:6%3C423::AID-CASP499%3E3.0.CO;2-B](https://onlinelibrary.wiley.com/doi/abs/10.1002/(SICI)1099-1298(199811/12)8:6%3C423::AID-CASP499%3E3.0.CO;2-B)
25. Oei, T., & Namrata, R.(2010). Gambling Behaviours and Motivations: a Cross-Cultural Study of Chinese and Caucasians in Australia. International Journal of Social Psychiatry. Vol 56(1): 23–34. At Retrieved: <https://www.semanticscholar.org/paper/aa3abe41c6713d6118556a04beeea409f4c42954>
26. Reith, Gerda. (2002) The Age of Chance: Gambling in Western Culture. London Routledge.
27. Rhineberger, Gayle.(2003) Social Disorganization, Disorder, Social Cohesion, Informal Control: a Reformation and Test of Systemic Social Disorganization Theory, Western Michigan University, doctoral dissertation.
28. Vito, Gennaro., Maahs, Jeffrey., & Holmes, Ronald. (2007) Criminology Theory, Research, and Policy, Jones & Bartlett.